



واحد تهران مرکزی

عنوان پایان نامه

سازمان ، صلاحیت ها و آیین دادرسی

شوراهای حل اختلاف

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عباس کریمی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید مهدی حسینی

استاد داور:

جناب آقای دکتر حسن حمیدیان

مخارش:

مسعود ستایشی

تابستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه.....	۱
فصل مقدماتی : پیشینه تاریخی شیوه‌های حل اختلاف، فلسفه‌ی تشکیل و سیر تحولات شکل‌گیری و قانون‌گذاری	
نهادهای سازشی و حل اختلاف.....	۱۷
مبحث نخست : تاریخچه‌ی شیوه‌های حل اختلاف.....	۱۷
گفتار اول : پیشینه تاریخی شیوه‌های حل اختلاف در اسلام.....	۱۷
گفتار دوم : پیشینه تاریخی شیوه‌های حل اختلاف در ایران.....	۲۲
بند اول - آیین‌های عرفی صلح و سازش در ایران.....	۲۳
الف) آیین فصل.....	۲۳
ب) آیین خون بس.....	۲۴
مبحث دوم : فلسفه‌ی تشکیل و سیر تحولات قانون‌گذاری نهادهای سازشی و حل اختلاف در حقوق موضوعه ایران	۲۶
گفتار اول : فلسفه و زمینه‌های تشکیل نهادهای سازشی و حل اختلاف.....	۲۸
بند اول - زمینه‌های تاریخی.....	۲۸
بند دوم - زمینه‌های اجتماعی.....	۲۹
بند سوم - زمینه‌های فرهنگی.....	۳۰
بند چهارم - زمینه‌های دینی.....	۳۱
الف) از دیدگاه قرآن.....	۳۱
ب) از دیدگاه روایات.....	۳۲
گفتار دوم : نهادهای سازشی و حل اختلاف در حقوق موضوعه ایران.....	۳۵
بند اول: نهادهای سازشی و حل اختلاف در حقوق موضوعه ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۳۵
بند دوم: نهادهای سازشی و حل اختلاف در حقوق موضوعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۶۶
مبحث سوم : جایگاه صلح و سازش دعاوی در سیستم حقوقی سایر کشورها.....	۷۵
گفتار اول : شیوه‌های حل اختلاف در سیستم حقوقی کامن لا.....	۷۶
بند اول - انگلستان.....	۷۶
بند دوم - آمریکا.....	۷۸
بند سوم - هند.....	۷۸
گفتار دوم : شیوه‌های حل اختلاف در سیستم حقوقی رومی - ژرمنی.....	۷۹
بند اول - فرانسه.....	۷۹

بند دوم - آلمان	۸۰
گفتار سوم : شیوه‌های حل اختلاف در سیستم حقوقی کشورهای سوسیالیستی	۸۱
بند اول - اتحاد جماهیر شوروی سابق	۸۱
بند دوم - چین	۸۲
گفتار چهارم : شیوه‌های حل اختلاف در سیستم حقوقی ژاپن	۸۳
بخش اول : ماهیت، مبانی، ساختار سازمانی و روش‌های شورای حل اختلاف	۸۹
فصل نخست : ماهیت و مبانی شوراهای حل اختلاف	۸۹
مبحث نخست : ماهیت شوراهای حل اختلاف	۸۹
گفتار اول : نهادی قضایی	۸۹
گفتار دوم : نهادی شبه قضایی	۹۱
گفتار سوم : مجموعه ای مردم نهاد (NGO)	۹۲
مبحث دوم : مبانی تشکیل شوراهای حل اختلاف	۹۵
گفتار اول : مبنای اجتماعی	۹۵
گفتار دوم : مبنای شرعی	۹۷
بند اول - قرآن	۹۸
بند دوم - روایات	۱۰۲
گفتار سوم : مبنای قانونی	۱۰۵
بند اول - ماده (۱۸۹) قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۱/۲/۱۵	۱۰۵
بند دوم - ماده (۱۳۴) قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی مربوطه مصوب ۱۳۸۴/۴/۸	۱۰۸
بند سوم - قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸ و آیین‌نامه مربوطه مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۶	۱۰۹
فصل دوم : ساختار سازمانی و روش‌های شورای حل اختلاف	۱۱۱
مبحث نخست : تشکیلات شوراهای حل اختلاف	۱۱۱
گفتار اول : قبل از تصویب قانون شوراها	۱۱۱
بند اول - اداره کل امور شوراهای حل اختلاف	۱۱۱
بند دوم - شوراهای حل اختلاف مرکز استان	۱۱۲
بند سوم - شوراهای حل اختلاف شهرستان، بخش و روستا	۱۱۳

- بند چهارم - دبیرخانه شورای‌های حل اختلاف ۱۱۵
- گفتار دوم : بعد از تصویب قانون شوراها..... ۱۱۷
- بند اول - مرکز امور شوراها ی حل اختلاف..... ۱۱۷
- بند دوم - شوراها ی حل اختلاف استان..... ۱۱۸
- بند سوم - شوراها ی حل اختلاف شهرستان و بخش..... ۱۱۹
- بند چهارم - شوراها ی تخصصی ۱۱۹
- بند پنجم - هیات‌های رسیدگی به تخلفات اعضای شورا..... ۱۲۰
- مبحث دوم : سازمان نیروی انسانی شوراها ی حل اختلاف..... ۱۲۳
- گفتار اول : شیوه‌ی انتخاب اعضاء و سایر کارکنان شورا..... ۱۲۳
- بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها..... ۱۲۳
- الف) اعضاء و کارکنان اداری شورا..... ۱۲۳
- ب) مشاور شورا..... ۱۲۵
- بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها..... ۱۲۶
- الف) اعضاء و کارکنان اداری شورا..... ۱۲۶
- ب) قاضی شورا..... ۱۲۸
- گفتار دوم : شرایط عضویت در شورا..... ۱۲۹
- بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها..... ۱۲۹
- بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها..... ۱۳۰
- گفتار سوم : سمت‌های شغلی مانع عضویت در شورا..... ۱۳۴
- بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها..... ۱۳۴
- بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها..... ۱۳۵
- گفتار چهارم : جهات رد اعضای شورا..... ۱۳۵
- بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها..... ۱۳۵
- بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها..... ۱۳۶
- مبحث سوم : سازمان آموزش نیروی انسانی، امور مالی و اداری و پشتیبانی و نظارت بر عملکرد شوراها..... ۱۳۸
- گفتار اول : آموزش نیروی انسانی شوراها..... ۱۳۸
- بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها..... ۱۳۸
- بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها..... ۱۳۹

گفتار دوم : امور مالی و اداری و پشتیبانی شوراها.....	۱۴۰
بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها.....	۱۴۰
بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها.....	۱۴۱
گفتار سوم : نظارت بر عملکرد شوراها.....	۱۴۴
بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها.....	۱۴۴
بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها.....	۱۴۴
بخش دوم : آیین رسیدگی در شوراهای حل اختلاف.....	۱۴۶
فصل نخست : صلاحیت شوراهای حل اختلاف.....	۱۴۶
مبحث نخست : مفهوم، فواید و ویژگی‌های آیین دادرسی شورای حل اختلاف.....	۱۴۶
گفتار اول : مفهوم آیین دادرسی.....	۱۴۶
گفتار دوم : ویژگی‌های آیین دادرسی.....	۱۴۷
گفتار سوم : فواید آیین دادرسی.....	۱۴۹
مبحث دوم : صلاحیت و اقسام آن.....	۱۴۹
گفتار اول : مفهوم صلاحیت.....	۱۵۰
گفتار دوم : اقسام صلاحیت.....	۱۵۱
بند اول- صلاحیت ذاتی.....	۱۵۲
الف) صلاحیت محاکم دادگستری نسبت به مراجع غیر دادگستری.....	۱۵۲
ب) صلاحیت محاکم و دادسراهای عمومی دادگستری حسب مورد نسبت به دادگاه‌ها و دادسراهای اختصاصی.....	۱۵۲
ج) صلاحیت محاکم حقوقی نسبت به محاکم کیفری.....	۱۵۳
بند دوم - صلاحیت نسبی.....	۱۷۰
بند سوم - صلاحیت محلی.....	۱۷۱
بند چهارم - صلاحیت شخصی.....	۱۷۳
بند پنجم - صلاحیت اضافی.....	۱۷۳
مبحث سوم : صلاحیت سازشی در شوراهای حل اختلاف.....	۱۷۴
گفتار اول : قبل از تصویب قانون شوراها.....	۱۷۴
گفتار دوم : بعد از تصویب قانون شوراها.....	۱۷۹
مبحث چهارم : صلاحیت رسیدگی و صدور حکم در شوراهای حل اختلاف.....	۱۸۲

گفتار اول : قبل از تصویب قانون شوراها.....	۱۸۳
الف) در امور حقوقی.....	۱۸۷
گفتار دوم : بعد از تصویب قانون شوراها.....	۳۲۳
الف) از منظر صلاحیت رسیدگی اعضای شورا.....	۳۲۴
ب) از منظر صلاحیت رسیدگی قاضی شورا.....	۳۲۷
مبحث پنجم : اختلاف در صلاحیت رسیدگی شورای حل اختلاف و قواعد حل آن.....	۳۴۳
گفتار اول : قبل از تصویب قانون شوراها.....	۳۴۳
گفتار دوم : بعد از تصویب قانون شوراها.....	۳۴۴
فصل دوم : ترتیب رسیدگی و تصمیمات شوراهاى حل اختلاف.....	۳۶۱
مبحث نخست : ترتیب رسیدگی در شوراهاى حل اختلاف.....	۳۶۱
گفتار اول : شرایط شروع به رسیدگی.....	۳۶۲
بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها.....	۳۶۲
بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها.....	۳۷۱
گفتار دوم : تشریفات رسیدگی.....	۳۷۵
بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها.....	۳۷۵
بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها.....	۳۸۲
گفتار سوم : شیوه ابلاغ اوراق قضایی.....	۳۸۷
بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها.....	۳۸۷
بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها.....	۴۰۶
مبحث دوم : تصمیمات شورای حل اختلاف و اعتراض به آنها.....	۴۰۹
گفتار اول : تصمیمات شورای حل اختلاف.....	۴۱۰
بند اول - تصمیمات شورای حل اختلاف در امور مدنی.....	۴۱۲
الف) رأی.....	۴۱۳
ب) قرار.....	۴۱۳
ج) انواع قرار.....	۴۱۴
بند دوم - تصمیمات شورای حل اختلاف در امور کیفری.....	۴۱۹
الف) آرای مبتنی برقرار یا قرارهای نهایی.....	۴۱۹

- ۴۲۰..... (ب) آرای مبتنی بر براءت و محکومیت
- ۴۲۱..... (ج) انواع قرارهای تأمین کیفری
- ۴۲۱..... بند سوم - نحوه صدور آراء در شورای حل اختلاف
- ۴۲۱..... (الف) نحوه‌ی صدور آراء مطابق مقررات سابق
- ۴۲۳..... (ب) نحوه‌ی صدور آراء مطابق مقررات جاری
- ۴۲۵..... (ج) نحوه صدور رای اصلاحی
- ۴۲۶..... (د) سازش نامه یا گزارش اصلاحی
- ۴۲۸..... گفتار دوم : اعتراض به تصمیمات شورای حل اختلاف
- ۴۲۹..... بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها
- ۴۲۹..... (الف) واخواهی
- ۴۳۱..... (ب) تجدید نظر خواهی
- ۴۳۲..... بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها
- ۴۳۲..... (الف) واخواهی
- ۴۳۳..... (ب) تجدیدنظر خواهی
- ۴۳۴..... گفتار سوم : اجرای احکام شورای حل اختلاف
- ۴۳۴..... بند اول - قبل از تصویب قانون شوراها
- ۴۳۵..... بند دوم - بعد از تصویب قانون شوراها
- ۴۳۷..... بند سوم - چگونگی اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در شوراها
- ۴۳۸..... جمع بندی و نتیجه
- ۴۵۸..... پیوست‌ها
- ۴۵۸..... پیوست اول
- ۴۵۸..... تصویب‌نامه قانونی راجع به تشکیل خانه انصاف مصوب ۱۳۴۲/۰۵/۱۲
- ۴۶۵..... پیوست دوم
- ۴۶۵..... آیین نامه انتخاب اعضاء خانه انصاف مصوب ۱۳۴۲
- ۴۶۸..... پیوست سوم
- ۴۶۸..... قانون تشکیل خانه انصاف مصوب ۱۳۴۴/۰۲/۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی
- ۴۷۵..... پیوست چهارم

- آیین نامه انتخابات خانه انصاف مصوب ۱۳۴۴ ۴۷۵
- پیوست پنجم ۴۷۸
- قانون اصلاح بعضی از مواد قانون تشکیل خانه‌های انصاف مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۱۸ ۴۷۸
- پیوست ششم ۴۸۱
- آیین نامه نحوه وصول و تمرکز درآمدهای خانه انصاف و مصرف آن (موضوع تبصره ماده ۲۱ قانون خانه انصاف) مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۵۶ ۴۸۱
- پیوست هفتم ۴۸۴
- قانون خانه انصاف مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵ ۴۸۴
- پیوست هشتم ۴۹۶
- قانون تشکیل شورای داوری مصوب ۱۳۴۵/۰۴/۰۹ ۴۹۶
- پیوست نهم ۵۰۳
- قانون اصلاح بعضی از مواد قانون تشکیل شورای داوری مصوب ۱۳۴۸/۰۱/۲۰ ۵۰۳
- پیوست دهم ۵۰۸
- حل اختلاف صلاحیت بین شورای داوری و دادگاه بخش مصوب ۱۳۵۲/۰۸/۱۶، رأی وحدت رویه شماره ۵۹ ۵۰۸
- قانون شورای داوری مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۱ ۵۱۱
- پیوست دوازدهم ۵۲۴
- آیین نامه نحوه وصول و جمع آوری درآمدهای شوراهای داوری و مصرف آن موضوع تبصره ماده ۱۲ و ماده ۲۴ قانون تشکیل شوراهای داوری مصوب خرداد ماه ۱۳۵۶ ۵۲۴
- پیوست چهاردهم ۵۲۸
- آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۸۱/۰۲/۲۹ شماره : ۷۹۲۷/ت/۲۴۸۰۷هـ ۵۲۸
- پیوست پانزدهم ۵۴۰
- الحاق دو بند به قسمت ب ماده ۷ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم شماره : ۱۱۲۹۳/ت/۲۶۵۶۷هـ ۵۴۰
- مصوب جلسه ی ۱۳۸۱/۳/۸ هیات وزیران ۵۴۰
- پیوست شانزدهم ۵۴۱
- اصلاح آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه شماره : ۲۱۰۷۴/ت/۲۶۸۷۰هـ - ۱۳۸۱/۰۵/۰۶ مصوب جلسه ۱۳۸۱/۴/۳۰ هیات وزیران ۵۴۱

- ۵۴۳..... پیوست هفدهم
- ۵۴۳..... اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه
- ۵۴۳..... شماره : ۲۳۶۰۹/ت/۲۶۹۸۴هـ مصوب جلسه ۱۳۸۱/۵/۱۶ هیات وزیران
- ۵۴۴..... پیوست هجدهم
- اصلاح آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- ۵۴۴..... مصوب ۱۳۸۱/۰۵/۲۷ شماره : ۱۰۰۸۲ / ۱ / ۸۱
- ۵۵۴..... پیوست نوزدهم
- ماده ۱۳۴ - ماده (۱۸۹) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب
- ۵۵۴..... ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.
- ۵۵۵..... پیوست بیستم
- آیین‌نامه موضوع ماده (۱۸۹) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی
- ۵۵۵..... ایران، موضوع ماده (۱۳۴) قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۴/۴/۰۸ - شماره ۲۷۹۴۹/ت/۳۳۴۱۶هـ
- ۵۶۴..... پیوست بیست و یکم
- آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۶/۸/۱۳
- ۵۶۴.....
- ۵۶۹..... پیوست بیست و دوم
- قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۰۴/۱۸
- ۵۶۹.....
- ۵۷۸..... پیوست بیست و سوم
- آیین‌نامه شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۸/۰۱/۱۶
- ۵۷۸.....
- ۵۹۰..... پیوست بیست و چهارم
- دستورالعمل شوراهای حل اختلاف ویژه اصناف مصوب ۱۳۸۴/۷/۲
- ۵۹۰.....
- ۵۹۳..... پیوست بیست و پنجم
- دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی
- ۵۹۳.....
- ۵۹۳..... مصوب ۱۳۸۴/۹/۱۲
- ۵۹۵..... پیوست بیست و ششم
- دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه بیمه بازرگانی مصوب ۱۳۸۶/۳/۲۰
- ۵۹۵.....
- ۵۹۷..... پیوست بیست و هفتم

۵۹۷دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور پزشکی (مصوب ۱۳۸۶/۶/۳۱)
۵۹۹پیوست بیست و هشتم
۵۹۹دستورالعمل تشکیل شوراهای ویژه فرهنگیان مصوب ۱۳۸۶/۶/۳۱
۶۰۲پیوست بیست و نهم
۶۰۲دستورالعمل جامع ساماندهی شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۶/۰۹/۲۴
۶۵۲پیوست سی ام
۶۵۲دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف تخصصی اتاقهای بازرگانی (پیشنهادی)
۶۵۵پیوست سی و یکم
۶۵۵دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه مهاجرین افغانی و عراقی (پیشنهادی)
۶۵۹منابع وماخذ
۶۵۹الف) کتب
۶۶۶ب) بخشنامه، مجلات، ماهنامه‌ها و روزنامه‌ها
۶۶۸ج- منابع خارجی

مقدمه

در یک نظام مطلوب که واجد قواعد مترقی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و امنیتی بوده و مبتنی بر حفظ شخصیت و کرامات انسانی در تمامی ابعاد مرقوم که برای انسان متصور است؛ می باشد و جامعه و حکومت نیز به صورت مشترک ستون های اجرای آن هستند؛ تمسک به مقررات قانونی، نقشه راه و شیوه قابل دفاع برای حل و فصل منازعات، مخاصمات، مناقشات و اختلافات حادث شده در پیکره جامعه به شمار می رود. اما از آن جا که حل و فصل خصومات بین آحاد جامعه پاسخ مناسب و موثر به نقض هنجارهای حاکم بر اجتماع می باشد؛ توسل به قانون و توصیه به راه حل های حقوقی، نباید تنها وسیله و راهکار انحصاری، بلکه به عنوان آخرین انتخاب برای فصل خصومت؛ مطمح نظر قرار می گیرد.

مضافاً در یک نظام اسلامی که متکی بر شرع انور و قانون اساسی که یکی از مظاهر والای حقوق شهروندی در قوانین کشور است؛ از یک سو با توجه به انسجام و وحدت موجود بین آحاد جامعه که از آن به اخوت ایمانی یاد شده و منبعث از پایه های اسلام و آموزه های اهل بیت علیهم السلام است؛ زمینه های مناسبی برای حل و فصل خصومات از طرق غیر قضایی وجود دارد و از سوی دیگر با نگرش به تعریف واژه ای انسان از منظر شرع مقدس که باور به حیات جاویدان و اعتقاد راسخ به مسائلی از قبیل حشر، میزان ثواب و عقاب آخروی و تبلور توبه و انابه در نظام آموزشی و پرورشی اسلام دارد؛ تمهید قضایی و پاسخ کیفری به جرایم و خطاها تنها گزینه نبوده و لایتنیغیر محسوب نمی شود.^۱

۱. دکتر حسینی، سید محمد، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مستنبط از مقاله ی " نقش میانجیگری در فصل دعاوی "

در فرازهایی از اصل دوم قانون اساسی می‌بینیم که جمهوری اسلامی بر پایه‌ی ایمان به:

- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تسریع به او و لزوم تصمیم در برابر امر او
 - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین
 - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند متعال و ...
- و همچنین در اصل سوم قانون مرقوم ملاحظه می‌شود که مقنن وظیفه دولت کریمه را برای نیل به اهداف مارالذکر (منعکسه در اصل دوم) با تمسک به همه‌ی امکانات خود؛ این چنین بر شمرده که به ذکر چهار بند از شانزده بند آن بسنده می‌شود .
- ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی .
 - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خویش .
 - تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون .
 - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم .

و النهایه در اصل سی و چهارم قانون اساسی که تجلی دادخواهی است، قانون گذار ابراز می‌دارد؛ " دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد؛ منع کرد . " با توجه به نکات معنونه و تدقیق در فرازهای بر شمرده از قانون اساسی که منبعث از

شرع انور می‌باشد؛ به تاکیدات موکد قانون گذار در تبیین ارزش‌های والای انسان و حفظ کرامت وی و ایجاد بستر مناسب برای ارتقاء فضائل اخلاقی، مشارکت پذیری و مشارکت جویی آحاد جامعه در تعیین سرنوشت شان و همچنین توسعه و تحکیم برادری اسلامی پی می‌بریم و در می‌یابیم که به چه میزان شارع مقدس و مقنن به این مهم توجه نموده و چگونه به تکریم انسان‌های نیک کردار و پاکدامن پرداخته و به آن‌ها اهمیت داده است .

اساساً فطرت و سرشت پاک انسان که در شمول ودایع الهی است و در نهاد همه انسان‌ها و همراه خلقتشان به آن‌ها اعطا گردیده؛ از منازعه و مخاصمه و اختلاف گریزان است . شخصیت اجتماعی هر فرد؛ شناسنامه آن فرد محسوب می‌گردد، اهتمام در راستای حفظ آن از اولویت‌های اصلی زندگی اجتماعی هر انسان است؛ تا آن جا که برای پاره ای از انسان‌ها زندگی بدون بعد شخصیت اجتماعی و تزلزل آن؛ بسیار دشوار است . لذا از هر پیشنهادی که برای حفظ این بعد از زندگی خود مفید و مناسب بداند؛ به گرمی استقبال می‌کند و همواره برای تأمین این مولفه تلاش می‌نماید که در تعاملات اجتماعی و مدنی صلح را بر نزاع و آرامش را به کشمکش رحجان دهد .

مسائلی که اثبات آن نیاز به اقامه دلیل و برهان ندارد و همگان به خوبی و درستی آن را درک می‌نمایند؛ فطرت می‌گویند . برتری صفات ارزشمندی چون راستگویی، صداقت، عدالت، شرافت، کردار نیک و دستگیری از هم نوعان بر صفات رذیله ای نظیر، دروغ گویی و ستمگری، اجحاف و تبعیض ناروا را فطرت پاک بشر و شخصیت والای انسانی؛ به خوبی درک می‌کنند . صلح امری است پسندیده، نکوهیده و ارزشمند و بر اختلاف مرجح است و مورد توجه عقلا است؛ زیرا هم عقل آن را درک و به اعمال آن توصیه نموده وهم دستورات دینی و اخلاقی و

سفارش مصلحان بزرگ بر اجراء و استمرا آن و حصول ثمراتش همواره دلالت داشته است . تکامل اجتماعی و بارور شدن و تجلی استعدادهای نهفته؛ رفع کینه توزی و خصومت محصول شیرین و با حلاوت صلح و آشتی و پای بندی به اصول مترتب بر آن است . اگر چه حدوث اختلافات و بروز منازعات در اجتماع و زندگی جمعی امری غیر قابل انکار و اجتناب ناپذیر است و می توان با توسل و تمسک به تاسیسات حقوقی و اجرای محاکمات به آن خاتمه داد؛ اما اختلافات و مخاصماتی که با صلح پایان می پذیرد؛ ضمن مداومت؛ خشکانندهی ریشهی اختلافات بوده و احساس کینه و انتقام جویی را منتفی ساخته و هیچ یک از طرفین مقید به مصالحه؛ خود را محکوم و بازنده محاکمه تلقی نمی نماید و با تحقق فرآیند حل و فصل دعاوی از طریق غیر قضایی و میانجیگری؛ ضمن این که متنازعی در صدد طرح نزاع و اختلاف مجدد بر نمی آیند؛ بلکه با این دستاورد حقوق متداعیین به سرعت و سادگی تامین شده و از پی آمدهای منفی محاکم قضایی از قبیل، آسیب دیدگی روانی، شعله ور تر شدن شعله های خشم، کینه، مخاصمه و استمرار عداوت به سبب واقع شدن متخاصمین در جایگاه مدعی و منکر، افشای اسرار و طرح مسائل و مباحث خصوصی و احیاناً خانوادگی و بالاخره تادیه هزینه های مالی مربوط به پروسه دادرسی؛ مصون می گردند. به همین دلایل و جهات مطروحه است که در آموزه های دینی نیز به حل و فصل اختلاف به صلح و سازش و در قالب غیر قضایی و مصروف داشتن اهتمام ویژه در راستای نهادینه نمودن و ترویج فرهنگ صلح و سازش در جامعه تاکید شده است . به عنوان نمونه؛ خداوند متعال در یکی از آیات کلام الله مجید می فرماید؛ " اگر دو گروه از مومنان با هم به ستیز برخیزد، پس میان آنان اصلاح کنید " .^۱

۱ . قرآن کریم، سوره مبارکه حجرات، آیه ۱

و در آیه ای دیگر چنین می فرماید، " مومنان برادران یکدیگرند؛ پس بین برادران خود اصلاح کنید . " ^۱ و در آیه ی دیگری چنین دستور داده می شود که؛ " موضوع حکمیت وقاضی تحکیم که به دور از تبعات سوء محاکم می تواند اختلافات طرفین منازعه را برطرف سازد، بر دیگر روش ها رجحان دارد . " ^۲ و در آیات قرآنی و روایات متعدد اسلامی به این مهم توجه شده و مورد تایید واقع گردیده است؛ به نحوی که از اولین اقدامات اساسی و زیر بنایی بزرگ معمار صلح پایدار و استوار، پیامبر اعظم (ص) برای تشکیل کاخ رفیع اسلامی در ابتدای مهاجرت به مدینه؛ جایگزین نمودن صلح، آشتی و آرامش به جای جنگ، نزاع و کینه توزی میان دو قبیله بزرگ اوس و خزرج بود؛ که در سایه سار صلح پایدار؛ مردان بزرگی از همان اوسیان و خزرجیان با اراده های پولادین بارور شدند که در قرآن کریم از آنان به عنوان " السابقون الاولون من المهاجرین والانصار " ^۳ یاد شده است . مضافاً حضرت پیامبر رحمت (ص) فرمودند :

" کسانی که برای حاکمیت صلح و آشتی تلاش می کنند مشمول درود فرشتگان هستند تا از این ماموریت برگردند و نیز پاداش شب قدر نصیب آنان خواهد شد . " ^۴ حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در نهج البلاغه صلح را بر یک سال نماز و روزه ترجیح داده است و در هنگامه شهادت در وصیتی به عنوان آخرین رهنمودهای بشری به فرزندانش حضرت امام حسن مجتبی کریم اهل بیت (ع) و حضرت امام حسین سید الشهداء (ع) مبنی بر، دشمنی با ستمگران و یاری مظلومان، می فرماید؛ آن دو را به نظم در امور و ایجاد صلح بین یکدیگر سفارش نمودم و به استناد فرمان پیامبر اکرم (ص) می فرماید : " فانی سمعت جد کما صلی الله

۱ . قرآن کریم، سوره مبارکه حجرات، آیه ۹

۲ . قرآن کریم، سوره مبارکه نساء، آیه ۳۵

۳ . قرآن کریم، سوره مبارکه توبه، آیه ۱۰۰

۴ . وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۶۳، " و من مشی فی الصلح بین اثنین، صلی علیه ملائکه الله حتی یرجع واعطی ثواب لیله القدر ... "

علیه و آله یقول صلاح ذات البین افضل من عامه‌ی الصلاه و الصیام " ^۱ به درستی که فرزندانم از جد بزرگوارتان شنیدم؛ همواره می‌فرمودند: " آشتی دادن بین دوکس از یک سال نماز و روزه برتر است. " همچنین حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرمایند؛ آیا خبر دهم به شما از چیزی که برتر از نماز، روزه و صدقه است؟ گفتند: آری، فرمود؛ اصلاح نزاع و خصومت میان دو نفر؛ زیرا فساد و اختلاف در میان مردم موجب از میان رفتن دین است. ^۲ و حضرت شیخ الاثم امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: " اصلاح میان مردم برتر از یک سال نماز و روزه است " ^۳

قرآن کریم که بر اساس فطرت پاک بشری " الصلح خیر " ^۴ احکام اجتماعی را تشریح نموده و در رابطه با مقوله صلح " فاصلحوا بین اخویکم " ^۵ تعبیر به خیر دارد؛ خیری محض، مطلق و ناب یعنی صلح را مرادف با خیر دانسته است. اگرچه قیاس دو مقوله برای درک درست و تبیین احسن آن جالب و جمیل است؛ " قل هل یتسوی الذین تعملون والذین لایعلمون " ^۶ " قل هل یتسوی الاعمی والبصیرام هل یتسوی الظلمات و النور " ^۷ ولی در مورد صلح از روش مقایسه‌ای مزبور بهره مند نگردیده و آن به صورت " الصلح خیر " بدون مقایسه یا تمسک به هر چیز دیگری آورده است و همانا این موضوع را می‌توان به ویژگی و اهمیت اصلاح ذات البین که حتی با قیاس با ضد آن موجب مضیق شدن دایره خیر می‌گردد؛ تلقی نمود.

مطابق نظام کیفری قرآن کریم؛ قتل نفس به عنوان بزرگترین جرم محسوب و مستوجب مجازات اشد در حقوق موضوعه ما یعنی اعدام می‌باشد. مضافا شدیدترین عقوبت و عذاب نیز

۱. نهج البلاغه، بخش رسایل، نامه ۴۷؛ چاپ دکتر صبحی صالح، بیروت، ۱۹۶۷ میلادی، ص ۴۲۱ الی ۴۲۲

۲. محجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۷۳

۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۰

۴. قرآن کریم، سوره مبارکه نساء، آیه ۱۲۸ " آشتی بهتر است "

۵. قرآن کریم، سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۰ " پس بین برادران ایمانی آشتی و صلح ایجاد نمایید "

۶. قرآن کریم، سوره مبارکه زمر، آیه ۹ " ای پیامبر بگو آیا دانایان با نادانان برابرند! هرگز "

۷. قرآن کریم، سوره مبارکه رعد، آیه ۱۶ " ای پیامبر؛ آیا کور با بینا یکی است و آیا تاریکی و نور برابرند! هرگز "

در انتظار مجرم است . در دین یهود که در شمول ادیان الهی بوده و قانون اساسی نیز آن را پذیرفته است؛ قاتل حتی با عفو اولیای دم مقتول و تراضی به دیه کمتر یا بیشتر می‌بایست قصاص و مجازات شود و سرنوشتی جز تحمل کیفر مزبور ندارد . در دین مسیح قاتل از قصاص گریخته و به مجازات‌های دیگری مثل خون بها و غیره محکوم می‌گردد . اما بر اساس قرآن مجید تنها کیفر برای جانی (قاتل) قصاص نیست و چنانچه اولیای دم گذشت نمایند؛ با تراضی و توافق آنان، مجازات به دیه با مبلغ کمتر یا بیشتر، تبدیل خواهد شد و قاتل از دار مجازات رهایی می‌یابد . همانگونه که خداوند متعال در قرآن کریم درباره نهی از جرم درباره جان بشریت با منطقی رسا می‌گوید : " من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً " ^۱ " اگر کسی بی گناهی را به قتل برساند همانند آن است که همه‌ی انسان‌ها را به قتل رسانده است " منظور این است که قاتل با ارتکاب قتل یک نفر از زنجیره و حلقه‌ی ارتباط انسانیت را که از تمام انسان‌ها متشکل است؛ قطع نموده و امنیت اجتماعی را نقض می‌نماید و این که گفته اند؛ چون امنیت مزبور گسسته شود، دیگران نیز به انگیزه انتقام او؛ حتی بدون این که هیچ گونه دخالتی در قتل اولیه داشته باشند، کیفر می‌بینند و این سیر تا بی نهایت استمرار خواهد داشت و حیات اجتماعی در معرض تهدید واقع می‌گردد، بنا به مراتب در راستای قطع این مسیر ناصواب و کشتن انسان‌های بی گناه؛ قصاص از سوی شارع مقدس تشریح و تجویز شده است . اما در عین جواز قصاص، گزینه منحصر برای قتل نفس نیست و اولیای دم متوفی می‌توانند با تحقق تراضی، از قاتل دیه مقرر، بیشتر یا کمتر را مطالبه نمایند. بنابراین تلاش برای اخذ رضایت و تبدیل مجازات اعدام امری ممدوح و پسندیده است .

۱ . قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه ۳۲

" و من احیایا فکانما احیا الناس جمیعا " ^۱ " اگر انسانی را از مرگ نجات بخشیدید، همانند آن است که تمامی انسان‌ها را به حیات مجدد فراخوانده اید." ^۲

پیامبر خدا (ص) درباره کسانی که از خون و از قاتل گذشت می‌کنند، می‌فرماید: " پاداش او جز به کمتر از بهشت نیست." ^۳

بیان مسأله

اصلاح ذات البین و سازش بین افراد سابقه‌ی تاریخی دارد. از روزگاران ماضی و قبل از تشکیل دولت‌ها و حکومت‌ها؛ نهادهای غیر رسمی و سنتی و افراد معتمد، مجرب، معمرین و ریش سفیدان و افرادی که در شهرها، روستاها و محلات واجد شیخوخیت و مقبولیت میان عامه بوده‌اند؛ بدون توسل و تمسک به قوای حکومتی همواره با اهتمام و اعتقاد خاص در ایجاد مصالحه و تحقق صلح و سازش بین آحاد جامعه نقش آفرینی می‌نمودند و اصحاب دعوی حل اختلافات و مخاصمات خود را از طریق مداخله مشارالیه‌م؛ مرجح بر رجوع به عدالت خانه می‌دانستند و این مهم همانگونه که عرض شد از دیر باز و به طور مثال در ایران باستان و در زمان دولت پارت در راستای رسیدگی به جرایم حادث شده در محدوده‌ی خانواده به علت اعتقاد به عدم نزاحم و ارتباط این گونه بزه‌ها با حقوق عمومی مورد توجه واقع شد. ^۴ همچنین در عصر ساسانیان نیز ارجاع دعوی به میانجیگری، یکی از شیوه‌های رسیدگی بوده است، که عمدتاً داوران از بین نجیب زادگان و مردان شریف انتخاب می‌شدند. ^۴ در این دوره برای ممانعت

۱. قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه ۳۲

۲. علاءالدین، علی المتقی بن حسام الدین، کنزالاعمال، ج ۱۵، ص ۱۳

۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تاریخ حقوق ایران در دوران باستان (هخامنشیان و پارت‌ها)، ضمیمه درس تاریخ حقوق جزاء، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۴. ساکت، محمد حسین، نهاد دادرسی در اسلام، آستان قدس رضوی، بهمن ۱۳۵۳، ص ۲۲ و ۲۳

از تطویل رسیدگی، برای هر نوع مرافعه، مدت زمان محدودی معین می‌گردید که می‌بایست در فرجه مقرر حکم لازم صادر می‌شد.^۱

در قرون وسطی نیز در اروپا؛ بهترین راه حل و فصل اختلافات را داوری می‌دانستند. البته نه بر آنچه عدالت اقتضا می‌نمود بلکه بر مبنای تامین هم زیستی مسالمت آمیز بین گروه‌های مختلف در جامعه مزبور. پولس قدیس در اولین نامه خود به اهالی کرننت^۲ احسان را به جای عدالت ستود و به مومنان توصیه کرد که به جای مراجعه به محاکم؛ به داوری رهبران مذهبی و برادران دینی خود متوسل گردند؛ اوگوستن قدیس^۳ نیز از همین نظر دفاع می‌نمود.

در نظام حقوقی اسلام نیز همانگونه که به طور مبسوط اشاره شد؛ سعی و تلاش وافر در راستای حل و فصل اختلاف و تبلور مصالحه در مخاصمات از طریق تمسک به راه‌های غیر رسمی، مرتبه‌ی خاص و جایگاه والایی دارد و صلاحیت حصری قضات را در رفع تنازعات منتفی می‌کند. از اهداف نظام حقوقی مزبور؛ اعمال تمهیدات و اتخاذ تدابیری است که از حجم ورودی پرونده‌ها به تشکیلات قضایی کاسته و موجبات رهایی مراجعین از پیچیدگی آیین دادرسی، طولانی بودن فرآیند رسیدگی و تحمیل هزینه‌های سنگین را فراهم نموده و آن‌ها را به قضاوت شورایی و پذیرش شیوه‌های مسالمت آمیز و حل و فصل دعاوی در فضای مناسب، آرام و بدون تنش رهنمون می‌سازد. سیستم مذکور ارتقاء روحیه احسان مبتنی بر برادری و اخوت ایمانی و تجلی توافق و سازش را در پی داشته و حذف کینه‌ها و خصومات و افزایش همبستگی، هم پوشانی و سازگاری اجتماعی را تامین و تضمین می‌نماید.

۱. احمدی، اشرف، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، وزارت فرهنگ و هنر بی تا، ص ۱۰۷

۲. Corenthe

۳. Auqustin